

## فصلنامه پژوهشی های مدیریت در جهان اسلام

شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره دهم (بهار ۱۴۰۱)

### نگاهی به جایگاه اقلام تعهدی در صورت های مالی

### و اثر گذاری آن بر پیشگیری و اجتناب از زیان

(تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۳/۲۰)

نشمیل ایوبی

#### چکیده

اقلام تعهدی تفاوت بین سود حسابداری و جریان وجوه نقد حاصل از عملیات را بیان می کند. بدین معنی که اقلام تعهدی بزرگ، نشان دهنده فزونی سود گزارش شده نسبت به جریان وجوه نقد تولید شده توسط شرکت می باشد. این تفاوت، نتیجه قیود حسابداری می باشد که چه زمانی درآمد و هزینه باید شناسایی شوند. اقلام تعهدی را می توان به اجزای اختیاری و غیراختیاری تفکیک کرد. اجزای اختیاری اقلام تعهدی عبارت از اقلامی است که مدیریت می تواند کنترل هایی بر روی آنها اعمال کند. اجزای غیراختیاری اقلام تعهدی عبارت از اقلام تعهدی است که مدیریت نمی تواند بر روی آنها کنترلی اعمال نماید. از جمله دلایل و انگیزه هایی که مدیران را وادار می دارد تا از پیش بین زیان اجتناب ورزند می توان به تلاش برای حفظ سمت و شغل ارتقای آن، تعیین یه هدف مساعد و مطلوب برای عملکرد و تلاش آتی و فشار از سوی ساختار حاکمیت شرکتی بانک محور و... اشاره کرد. برخی از این انگیزه ها به طور بالقوه در مدیران ایرانی نیز وجود دارد مثلا برخی از مدیران شرکتهای ایرانی، مدیریت شرکتی را برعهده دارند که متعلق به یک هلدینگ یا سازمانی است که شرکتهای دیگری رانیز در مجموعه سرمایه گذاری خود دارد. بنابراین مدیر تلاش می کند تا با پیش بینی سود و اجتناب از پیش بینی زیان، انگیزه و اشتیاق خود را برای دستیابی به یک هدف مطلوب و موفقیت آمیز نشان دهد. با توجه موارد بالا در این مقاله علمی به دنبال پاسخ این سوال هستیم که آیا بین مدیریت اقلام تعهدی و اجتناب از زیان رابطه وجود دارد؟

**واژگان کلیدی:** اجتناب از زیان، اقلام تعهدی، مدیریت سود، صورت مالی، سود حسابداری

## بخش اول: کلیات و مبانی نظری

### بند اول: مبانی نظری سود

در ابتدای پیدایش انسان، منفعت گرایی در ذات او بوده است. با پیدایش علم اقتصاد و در کنار آن حسابداری، مفهوم منفعت گرایی جای خود را پیدا کرده است بطوریکه حسابداری دو طرفه با نظریه مالکیت شروع شد. بعدها تئوری تفکیک شخصیت مطرح گردید. در این تئوری، شخصیت واحد تجاری جدای از شخصیت صاحبان آن بوده و هدف موسسه، ایجاد سود حسابداری برای سهامداران و بستانکاران بوده است و به دلیل آن تئوری‌های موسسه، حقوق باقیمانده و وجوه مطرح شدند که هر کدام تقسیم جدیدتری از اطلاعات حسابداری، به خصوص سود را ارائه می‌دهند.

در تئوری وجوه، سود حسابداری معنی و مفهومی ندارد. در تئوری موسسه، واحد تجاری یک بنگاه اجتماعی به حساب می‌آید که برای عموم منافع ایجاد می‌کند و منافع آن سود حسابداری نیست بلکه معتقدند که موسسات با اهداف رفاهی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هم ممکن است ایجاد شوند. البته در کنار نظریه اقتصاددانان این نظریه وجود دارد که اکثر واحدهای تجاری برای سودآوری تأسیس می‌شوند. (علی پناه، ۱۳۸۰) سود مهمترین معیار اندازه گیری کارایی، ارزیابی دستاوردها و پیش بینی تصمیمات مدیریت می‌باشد. برآورد سودآتی شرکت با توجه به توان سودآوری شرکت در گذشته و چگونگی توزیعی آن میان سهامداران، ارزیابی سیاستگذاری‌ها بویژه درباره مخارج سرمایه‌ای و چگونگی تخصیص منابع، قیمت گذاری محصولات، مبنایی برای وضع مالیات، پیش بینی واکنش قیمت اوراق بهادار، برآورد واکنش سرمایه گذاری با اعطای وام و اعتبار به واحد انتفاعی می‌باشد. سهامداران ریسک گریز بوده و تمایل دارند در شرکت‌هایی سرمایه گذاری کنند که سود از ثبات بیشتر و نوسان کمتر برخوردار باشد ثبات سود را با میزان احتمال تحقق سودهای آتی در ارتباط می‌باشد. اینجاست که مدیریت سود ضرورت پیدامی کند ارزش سهام و ثروت سهامداران را افزایش و ریسک سرمایه گذاری را کاهش می‌دهد. مدیریت سود، مداخله عمومی مدیریت در فرایند تعیین سود در راستای اهداف دلخواه مدیریت می‌باشد (وایلد و همکاران ۲۰۰۱).

### بند دوم: مفاهیم سود در حسابداری

یکی از مواردی که همیشه در تعریف آن بین الگوهای مختلف هیچ گاه توافقی نبوده، اصطلاح سود می‌باشد. اصطلاح سود یکی از غیر ثابت ترین مفاهیم در دنیای تجارت می‌باشد. پاره‌ای از اندیشمندان حسابداری بر این باورند «سودی که با یک مبنای واحد ارزش گذاری اندازه گیری شود، می‌تواند تأمین کننده نیازهای همه استفاده کنندگان باشد. « این محققان همچنان توافق عام دارند که اطلاعات ارزش جاری برای تصمیم گیریهای اقتصادی استفاده کنندگان، اطلاعات بسیار مفیدتری از اطلاعات سنتی مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی در اختیار آنها قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت که سود یکی از مفاهیمی است که حسابداری از اقتصاد به عاریت گرفته است. اگرچه از دیدگاه اطلاعاتی، مفهوم سود، بیشتر فعالیت‌های حسابداری را توصیف می‌کند اما از لحاظ ملاک اندازه گیری بنیادی کماکان مورد تردید است. براساس مفروضات بازار کارایی سرمایه تحقیقات علمی نیز مؤید این دیدگاه است که سود حسابداری محتوای اطلاعاتی دارد.

مک نیل در بخشی پیرامون سود واقعی می‌نویسد: در حسابداری یک تعریف درست از سود وجود دارد و آن این است که سود افزایش در ثروت خالص و زیان، کاهش در ثروت خالص است. این تعریف اگرچه تعریف یک اقتصاد دان می‌باشد اما مختصر، مفید، عینی و به صورت ریاضی هم قابل ارائه می‌باشد و باید گفت این یک ایده آل دست نیافتنی نیست (کرمی، ۱۳۸۹).

### بند سوم: اهداف گزارشگری سود

شرکت‌ها بایستی در پایان هر دوره فعالیت، صورت‌های مالی اساسی تهیه نمایند. یکی از آن صورت‌های مالی، صورت سود و زیان است که آخرین رقم آن سود واحد تجاری می‌باشد. با توجه به اهمیت و کاربردهای مختلف سود، اهداف گزارشگری سود شامل موارد ذیل می‌باشد:

سود به عنوان راهنمایی مورد تصور است که براساس آن سیاست‌های مربوط به سود تقسیمی و نگهداری سود تدوین می‌شود. سود را به عنوان شاخصی از بیشترین مبلغی

می‌دانند که می‌تواند به صورت سود تقسیمی توزیع یا در شرکت سرمایه گذاری مجدد شود. سود به عنوان راهنمایی برای سرمایه گذاری و تصمیم گیری مورد توجه قرار می‌گیرد معمولاً چنین فرض می‌شود که سرمایه گذاران می‌گویند بازده مبلغی را که سرمایه گذاری می‌کنند، به حداکثر برسانند، البته با توجه به درجه قابل قبولی از ریسک. سود بعنوان یک ابزار یا وسیله پیش بینی کننده به حساب می‌آید که افراد را در امر پیش بینی سودها و رویدادهای اقتصادی آینده یاری می‌دهد. سود شامل نتیجه‌های «عملیاتی یا سود عادی» و نتیجه‌های «غیر عملیاتی یا سود وزیان غیر عملیاتی ناشی از رویدادهای غیر مترقبه» می‌باشد که مجموع آنها برابر است با سود خالص. فرض بر این است که سود عادی امری جاری و مستمر است ولی سود و زیان غیر عملیاتی ناشی از رویدادهای غیر مترقبه چنین نیست. نتیجه تحقیق‌ها نشان می‌دهد که برای پیش بینی سود آینده، سود عادی یا جاری نسبت به سود خالص برتری دارد. سود بعنوان معیاری از کارایی مورد توجه قرار می‌گیرد. سود معیاری است از مباشرت مدیریت بر مبنای شرکت و کارایی در انجام رساندن امور شرکت. بطوری که هیات استانداردهای حسابداری مالی این موضوع را بدین صورت ارائه کرده است: «یکی از هدف‌های صورتهای مالی این است که در مورد قضاوت درباره توانایی مدیریت، از نظر استفاده بهینه یا اثر بخشی از منابع شرکت و جهت دادن به عملکرد در راستای دستیابی به هدف اولیه شرکت، که با گذشت زمان بالاترین مقدار نقد را به مالکان باز گرداند، اطلاعاتی مفید ارائه نماید». گزارشگری سود می‌تواند به عنوان ابزاری باشد تا محدودیت براساس آن در مورد آینده برنامه‌ریزی نماید (موسی نژاد، ۱۳۸۹)

#### **بند چهارم: مفهوم اقتصادی سود**

مفهوم اقتصادی سود همواره مورد توجه اقتصاد دانان بوده است. آدام اسمیت نخستین اقتصاد دانی بود که سود را به عنوان افزایش ثروت تعریف نمود. بیشتر کلاسیک‌ها بویژه مارشال به پیروی از آدام اسمیت به مفهوم سود توجه کردند و آن را به مفهوم یا تصویری که از شیوه عملیات تجاری یا کسب کار داشتند، مربوط نمودند. برای مثال، آنها سرمایه ثابت و سرمایه در گردش را از یکدیگر تفکیک نمودند. آنها سرمایه فیزیکی و سود را از یکدیگر تفکیک و بر تحقق سود تاکید نمودند و آن را دلیلی برای شناسایی (ثبت) سود

دانستند. در آغاز سده بیستم ایده‌هایی در مورد سود ارائه شد. فیشر، لیندال و هیکس درباره ماهیت مفهوم اقتصادی سود یک دیدگاه جدید ارائه کردند. فیشر سود اقتصادی را بدین گونه تعریف کرد: یک سلسله از رویدادها که به حالت‌های مختلف مربوط می‌شوند: لذت بردن از سود روانی، سود واقعی و سود پولی. سود روانی عبارت است از مصرف واقعی شخص از کالاها و خدماتی که موجب لذت روانی و تامین خواسته‌ها می‌شوند. سود روانی یک مفهوم روانشناختی است که نمی‌توان آن را به صورت تقریبی بیان کرد. سود واقعی عبارتست از بیان رویدادهایی که موجب بروز یا افزایش لذت‌های روانی می‌شود. سود واقعی را می‌توان به بهترین شکل ممکن از طریق هزینه زندگی اندازه‌گیری کرد. به بیان دیگر، با پرداخت پول برای خرید کالا یا خدمات، قبل یا بعد از مصرف، می‌توان رضایت حاصل شده از طریق لذت روانی ناشی از سود را محاسبه کرد. از این رو، سود روانی، سود واقعی و بهای زندگی سه مرحله متفاوت از سود هستند. سرانجام سود پولی نمایانگر همه‌ی پول‌هایی است که به قصد مصرف در جهت تامین بهای زندگی دریافت می‌شوند.

به هر حال، سود روانی اساسی‌ترین پایه سطح سود را تشکیل می‌دهد و سود پولی مرحله‌ای از سود است که اغلب آنرا سود می‌دانند، فیشر تصور کرد که برای حسابداران سود واقعی (نسبت به بقیه) جنبه عملی و کاربرد بیشتری دارد. به هر حال، سود روانی اساسی‌ترین پایه سطح سود را تشکیل می‌دهد، فیشر همچنین تصور کرد که برای حسابداران سود واقعی (نسبت به بقیه) جنبه علمی و کاربرد بیشتری دارد.

### بند پنجم: نارسایی محتوای اطلاعاتی سود

حسابداری تعهدی متضمن قضاوت‌های شخصی متعدد است. در تعیین سود، مشکل مفهومی و اجرایی متعددی در ارتباط با ارقام قابل انتقال به دوره‌های آتی، تسهیلات، تخصیصها و ارزیابیها وجود دارد، در حالی که در محاسبه گردش وجه نقد اثر این گونه داوریهها به حداقل می‌رسد. به دلیل وجود رویه‌های گوناگون حسابداری، سود به معنای مقایسه بنگاه‌ها با یکدیگر زیر سؤال قرار می‌گیرد. منتقدان این اتهام را بر سیستم حسابداری وارد می‌آورند که بجای محتوای اقتصادی رویدادها، محتوای حسابداری آنها را ثبت می‌نماید. برخی از رویدادهای اقتصادی اصلا در سیستم حسابداری شناسایی نمی

شوند. در حالی که رویدادهای دیگری که در اهمیت اقتصادی آنها جای تردید وجود دارد با تمام جزئیات مربوط ثبت می‌شوند. لذا سود انکای بیشتری بر ساختارهای حسابداری دارد تا بر واقعیات اقتصادی. پرفسور «لی» معتقد است که سود یک مفهوم انتزاعی است در حالیکه وجه نقد یک منبع عینی می‌باشد. وی معتقد است، ادامه حیات بنگاه یکی از اولین ملاحظات بوده و وجه نقد یکی از مهم ترین عوامل بقای هر بنگاه را تشکیل می‌دهد. فقط بنگاه‌هایی می‌توانند به بقای خود ادامه دهند که در عین سودآور بودن، بتوانند نیازهای خود را تأمین نمایند. درک وضعیت قدرت پرداخت بنگاه یکی از ضروریات می‌باشد و سود این اطلاعات را به وضوح تأمین نمی‌نماید (بلوکی، ۱۳۸۱).

#### بند ششم: نقاط قوت سود حسابداری

پرفسور ایجر، کوهلر، لیتل تان و ماتز در زمره مهم ترین و پرشورترین مدافعان سود حسابداری قرار می‌گیرند. در این بخش درباره ۴ دیدگاه یا عقیده اصلی آنها بحث می‌شود. نخستین دیدگاه در تأیید سود حسابداری این است که سود مزبور توانسته است در طول زمان همواره سر بلند بماند. اغلب استفاده کنندگان داده‌های حسابداری بر این باورند که سود حسابداری سودمند است و در برگیرنده یک عامل تعیین کننده از شیوه‌های عملی، روش‌های اجرایی و الگوهای تصمیم‌گیری می‌باشد. کوهلر در تأیید چنین دیدگاهی می‌گوید: «موجودیت کنونی حسابداری نه به سبب علاقه یا درخواست حسابداران بلکه به سبب اعمال نفوذ تجار، کسبه یا سوداگران است. اگر کسانی که درباره سرمایه گذاری‌ها تصمیم می‌گیرند به گزارش‌های مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی، دسترسی نداشتند، از مدت‌ها پیش تغییرهایی در حسابداری بوجود آمده بود.»

دوم، از آنجایی که سود حسابداری مبتنی بر رویدادهای واقعی و حقیقت است، این سود بصورت عینی محاسبه و گزارش شده است. از این رو اصولاً قابل اتکا می‌باشد. اعتقاد طرفداران استفاده از سود حسابداری مبنی بر اینکه حسابداری باید واقعیت را (ونه ارزشها را) گزارش نماید، باعث می‌شود که عینیت این سود مورد تایید قرار گیرد. سوم، سود حسابداری از طریق تکیه بر اصل تحقق درآمد به شاخص محافظه کاری پایبند باقی می‌ماند. به بیان دیگر در محاسبه و گزارش سود از طریق نادیده انگاشتن تغییر در ارزشها،

محافظه کاری به صورتی معقول متجلی می‌شود. چهارم، چنین پنداشته می‌شود که سود حسابداری برای اعمال کنترل به ویژه در گزارشگری در مورد مباشرت سودمند می‌باشد (بلوکی، ۱۳۸۱).

### بند هفتم: نقاط ضعف سود حسابداری

در ادبیات حسابداری، نه تنها به صورتی بسیار قوی از سود حسابداری دفاع شده است بلکه از نظر نقاط ضعف متعدد، به شدت مورد انتقاد نیز قرار گرفته است. اصولاً در دیدگاه‌های مخالف برای استفاده از سود حسابداری موضوع «مربوط بودن» این عدد در تصمیم‌گیریها مورد سوال قرار گرفته است. در این بخش درباره برخی از دیدگاه‌های مخالف بحث می‌شود. یک دیدگاه این است که به سبب کاربرد اصل بهای تمام شده تاریخی و تحقق درآمد، سود حسابداری نمی‌تواند افزایش ارزش تحقق نیافته داراییهای را که در یک دوره زمانی مشخص نگهداری شده اند، شناسایی نماید. این ویژگی باعث می‌شود که نتوان اطلاعاتی سودمند را افشاء نمود. دوم، چنین پنداشته می‌شود که با توجه به روش‌های مختلف پذیرفته شده برای محاسبه بهای تمام شده (برای مثال، روش‌های مختلف تعیین ارزش، بهای تمام شده موجودیها و...) تکیه بر سود حسابداری مبتنی بر اصل بهای تمام شده تاریخی کار مقایسه اقلام را بسیار مشکل می‌سازد.

سوم، تکیه بر سود حسابداری مبتنی بر اصل تحقق درآمد بهای تمام شده تاریخی و محافظه کاری باعث می‌شود که نتوان داده‌ها را درک کرد (داده‌ها گمراه کننده شوند) یا نسبتهای مبتنی بر صورت‌های مالی که با رعایت این اصول محاسبه شده اند.

### بند هشتم: پیش بینی سود

بیشتر تحقیقها مبتنی بر رویکرد پیش بینی، به رفتار سود حسابداری و پیش بینی آن اختصاص دارد. انگیزه‌های اصلی توجه به پیش بینی سود در تحقیقات به شرح زیر است:

- استفاده پیش بینی سود در مدل ارزشیابی: یکی از پدیده‌هایی که اکثر اقتصاد دانان و دانشمندان امور مالی بر روی آن اتفاق نظر دارند، وجود رابطه‌ای بین سود پیش بینی شده و ارزش سرمایه می‌باشد. مدل فیشر (برای اقتصاد اطمینان کامل) و مدل قیمت گذاری

داراییهای سرمایه‌ای (برای شرایط عدم اطمینان)، ارزش داراییها را بر حسب جریان نقد آتی برآورد می‌کنند و چون اطلاعات جریان نقدی آتی اغلب موجود نیست، از سود آتی به عنوان جایگزین آن استفاده می‌شود. اقتصاددانانی چون مودیلیانی و میلر در مدل‌های ارزشیابی از سود حسابداری به عنوان جایگزین جریان نقد استفاده کرده اند. به طور کلی بررسی مدل‌های ارزشیابی شرکت با سهام نشان می‌دهد که سود پیش بینی شده بعنوان اصلی ترین متغیر توضیحی قیمت داراییهای سرمایه‌ای می‌باشد. سود از طریق علامت دهی در خصوص تخصیص منابع به کارکرد بازار سرمایه کمک می‌کند و نوعی راهنما برای سرمایه گذاری و تصمیم گیری است.

- ارزش توان پرداخت: با توجه به این که سود جایگزین برای پیش بینی جریان نقد می‌باشد؛ پیش بینی سود برای ارزشیابی توان پرداخت سود هزینه‌های مالی، مالیات، تعهدات سودمند است. از ارقام سود به عنوان راهنمایی جهت تدوین سیاست‌های مربوط به تقسیم سود و سرمایه گذاری شرکت نیز استفاده می‌شود.

- ارزشیابی عملکرد واحد اقتصادی و مباشرت مدیریت: با توجه به جدایی مدیریت و مالکیت یکی از معیارهای مهم ارزشیابی کارایی و نحوه استفاده از منابع و وظیفه مباشرت مدیریت، مقایسه سود واقعی و پیش بینی می‌باشد. تصمیمات و اقدامات مدیریت و پرداخت پاداش اغلب در قالب ارقام سود بیان می‌شود و با وجود ایراداتی که به سود حسابداری وارد می‌شود، جایگزین موثر برای آن ارائه نشده است.

- تبیین نحوه انتخاب خط مشی‌های حسابداری توسط مدیریت: با توجه به اینکه پاداش مدیران بستگی به قیمت دارد، می‌توان نتیجه گرفت که مدیران روش‌های حسابداری را که باعث افزایش سود و نرخ رشد آن و کاهش واریانس تغییر سود شود انتخاب می‌کنند. بنابراین مدیران از طریق انتخاب روش‌های حسابداری سود را هموار می‌کنند. به هر حال در تئوری اثباتی حسابداری فرضیه‌های دیگری نیز در این خصوص وجود دارد.

- ارزیابی اثرات اقتصادی استانداردهای حسابداری: پیش بینی رفتار سود در پاسخ به استانداردهای جدید به عنوان یکی از روش‌های ارزیابی استانداردهای حسابداری می‌باشد



که به طور گسترده مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

- استفاده از پیش بینی سود در تحقیقها: در بسیاری از پژوهشهای اقتصادی، مالی و حسابداری از مدل‌هایی استفاده می‌شود که پیش بینی سود به عنوان یکی از متغیرهای اصلی مورد نیاز می‌باشد.

- تمرکز گزارشگری مالی بر سود: هیات استانداردهای حسابداری آمریکا تهیه اطلاعات در مورد سود، اجزای آن را کانون اصلی گزارشگری مالی بیان کرده است. بنابراین تعجب انگیز نیست که کوششهای زیادی برای پیش بینی و بهبود اندازه گیری سود صرف شود. (موسی نژاد، ۱۳۸۹)

#### بند نهم: نقش اطلاعاتی سود

یکی از نقشهای اطلاعاتی سود، تعدیل و اصلاح باورهای موجود در توانایی شرکت در پرداخت سود تقسیمی آتی است. روابط تئوریک را می‌توان بین سود تقسیمی آتی و قیمت سهام، سود تقسیمی آتی و سود آتی و سود جاری توسعه داد. هر کدام از این روابط می‌تواند سرمایه گذاران، تحلیل گران، مدیران و سایر استفاده کنندگان را در ارزیابی اوراق بهادار کمک کند، زیرا چنین فرض می‌شود که ارزش اوراق بهادار تابعی از سود و ریسک آتی آن است. سود تقسیمی آتی و قیمتها از طریق مدل ارزشیابی به هم مرتبط می‌شوند. به طور کلی، مدل ارزشیابی به مبلغ سود تقسیمی که در هر دوره زمانی دریافت می‌شود، اعتقاد سرمایه گذاران نسبت به دریافت آن، و مبلغ دریافتها مرتبط می‌باشد. با وجود این، اگر سود و سود تقسیمی مرتبط فرض شوند، قیمتها می‌تواند تابعی از ارزش سود آتی باشد. برای اینکه سود محتوای اطلاعاتی داشته باشد، باید ارتباط متصورى بین سود و مشخصه‌هایی که به نظر می‌رسد ارزش اوراق بهادار را تعیین می‌کند وجود داشته باشد.

الف) نقش سود در شرکت: فرایند اندازه گیری سود نقش مهمی در عملیات شرکت بازی می‌کند. سود به خودی خود سهم قابل دریافت توسط سهامداران را اندازه گیری می‌کند، فرایندی هم که سهم دولت و مدیران را تعیین می‌کند وابسته به فرآیند اندازه گیری سود سهامداران است. سود به خاطر ماهیت باقی مانده‌ای که دارد، نقش ارزشمندی در مورد

قابلیت تداوم عملیات شرکت بازی می کند. کارگزاران نیز از این ابزار کلیدی برای برنامه ریزیهای آتی خود در مورد ادامه فعالیت با شرکت استفاده می کنند.

ب) ارقام تعهدی و نقش سودمند آنها: هر یک از تعدیلات حسابداری را که باعث ایجاد اختلاف بین سود خالص حسابداری و وجوه نقد حاصل از عملیات می گردند، را می توان به عنوان نتایج فرایند حسابداری در مبنای تعهدی طبقه بندی کنیم. براساس این تعریف، سود حسابداری بر مبنای نقدی با جریانات وجوه نقد عملیاتی یکسان خواهد بود. پس جزء تعهدی سود را می توان بعنوان تفاوت بین سود خالص حسابداری و وجوه نقد حاصل از عملیات تعریف نمود.

ج) وجوه نقد عملیاتی: سود حسابداری محاسبه شده حسابداری ناشی از یک جریان تعهدی است. بسیاری از ارقام درآمدی و هزینه های شرکت ها، نشان دهنده یک جریان نقد ورودی و خروجی طی یک دوره نیستند. همچنین چرخه عملیاتی شرکت در برگیرنده عملیاتی است که الزاما به جریان وجه نقد منجر نمی شود. برخی سهامداران به غلط تصور می کنند که سود خالص، معادل مبلغی است که شرکت توان پرداخت و تقسیم آن را دارد. در صورتی که، در اغلب موارد، اینگونه نیست. طبق نظر برخی از محققین اگر سود خالص شرکت واقعا معادل یا بیش از مجموع جریان نقدی و یا عملیاتی باشد می توان گفت که سود ن شرکت از کیفیت بالایی برخوردار است. تحلیل گران مالی با لحاظ کردن ارقام تعهدی و معوق در محاسبه سود، می توانند ارزیابی مناسبی از توان نقدی شرکت به دست آورند.

### **بند دهم: تهیه و پردازش اطلاعات برای پیش بینی**

یکی از اهداف مهم تهیه صورتها و گزارشهای مالی، ارائه اطلاعات لازم برای پیش بینیهای آتی استفاده کنندگان است. میزان سود ناویژه فروش سال جاری، میزان سود هر سهم، ارائه ارقام مقایسه ای سال قبل، تفکیک نتایج عملیات عادی که ماهیتی مکرر دارند از ارقام دیگر و برای پیش بینی نتایج عملیات سال آتی موثرند. ارائه نتایج عملیات عادی از قبیل درآمد فروش کالا یا عرصه خدمات، پرداخت حقوق و دستمزد و تحمل هزینه های معمول به طور جداگانه در صورت حساب سود و زیان و تفکیک آنها از سایر ارقام برای پیش بینی ارقام مشابه مورد انتظار از فعالیت های عادی سال آتی موثر خواهد بود. در برخی

موارد، رویدادهای مالی غیر مکرر، سود دوره مالی را افزایش یا کاهش داده و در سود مورد انتظار تفاوت زیادی ایجاد خواهد کرد. ارائه نتایج رویدادهای مالی غیر مکرر به طور جداگانه در صورت حساب سود و زیان در تصمیم گیریها و پیش بینی نتایج عملیات آتی سرمایه گذاران و سهامداران تاثیر زیادی دارد. مثلا زیان ناشی از وقوع زلزله و سایر حوادث طبیعی یا سود و زیان حاصل از فروش قسمتی از واحد تجاری از مواردی اند که به صورت غیر مکرر واقع می شوند. نتایج این رویداد غیر عادی باید بطور جداگانه از نتایج عملیات عادی در صورت حساب سود و زیان گزارش شود

### بخش دوم: بررسی ارقام تعهدی

نقش اصلی اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی فراهم کردن زمینه های لازم برای تخصیص بهینه منابع است. در پی رسوایی های مالی اخیر، اطمینان و اعتماد سرمایه گذاران به سیستم گزارشگری مالی ضعیف شده و کیفیت سود به عنوان یک عامل مهم در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده پدیدار گشت. در نتیجه، تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه سرمایه گذاران، مدیران، قانون گذاران و تدوین کنندگان استانداردها است. تحلیل گران مالی، مدیران و سرمایه گذاران در سال های اخیر به گزارش سودآوری شرکتها توجه زیادی داشته اند. مدیران علاقه مند به حفظ رشد سود هستند. زیرا، پاداش آنان اغلب به سود شرکت وابسته است. سود حسابداری و اجزای آن از جمله اطلاعاتی محسوب می شود که در هنگام تصمیم گیری توسط افراد در نظر گرفته می شود. سود حسابداری مبتنی بر ارقام تعهدی از نظر بسیاری از کاربران اطلاعات صورت های مالی، ابزاری برای سنجش عملکرد شرکتها محسوب می شود. منظور از ارزیابی عملکرد شرکتها ارزیابی کلی وضعیت مالی و نتایج عملیات برای تصمیم گیری های منطقی است.

سهام داران که مهم ترین گروه کاربران اطلاعات صورت های مالی هستند منافع خود را در اطلاعات سود جستجو می کنند. یکی از اجزای اصلی سود حسابداری ارقام تعهدی هستند. کیفیت ارقام تعهدی می تواند در گزارشگری مالی اطمینان سرمایه گذاران را در بازارهای مالی تحت تاثیر قرار دهد. از عوامل مهم مؤثر در کیفیت ارقام تعهدی می توان به روش های

متعدد حسابداری، نارسایی های موجود در فرآیند برآوردها و پیش بینی ها، اختیار عمل مدیران و تاثیرپذیری این اقلام از مبانی گزارشگری و صلاح دید مدیران اشاره کرد. عبارت کیفیت اقلام تعهدی به توانایی مدیران در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری در اندازه گیری و گزارشگری سود اشاره دارد. اقلام تعهدی اختیاری ممکن است شامل انتخاب از بین اصول یا استانداردهای حسابداری و به کارگیری برآوردها و زمان بندی معاملات برای شناسایی اقلام غیرعادی در سود باشد. در طول سه دهه اخیر بحث کیفیت اقلام تعهدی مورد توجه خاص پژوهشگران قرار گرفته و تلاش بر این بوده است که با دست یافتن به یک روش منطقی و معتبر، کیفیت این اقلام مورد ارزیابی قرار گرفته و عوامل تاثیر گذار بر آن شناسایی شود (دسای و همکاران، ۲۰۰۹).

#### **بند اول: تعریف اقلام تعهدی**

اقلام تعهدی تفاوت، بین سود حسابداری و جریان وجوه نقد حاصل از عملیات را بیان می کند. بدین معنی که اقلام تعهدی بزرگ نشان دهنده فزونی سود گزارش شده نسبت به جریان وجوه نقد تولید شده توسط شرکت می باشد. این امر به خاطر قیود حسابداری می باشد که مشخص می کنند چه زمانی درآمد و هزینه باید شناسایی شوند (اصل تحقق درآمد و اصل تطابق). اقلام تعهدی را می توان به اجزای اختیاری و غیراختیاری تفکیک کرد. اجزای اختیاری اقلام تعهدی عبارت از اقلامی است که مدیریت می تواند کنترل هایی بر روی آن ها اعمال کند. اجزای غیراختیاری اقلام تعهدی عبارت از اقلام تعهدی است که مدیریت نمی تواند بر روی آن ها کنترلی اعمال نماید (دسای و همکاران، ۲۰۰۹).

زای (۲۰۰۱) اقلام تعهدی را در قالب فاصله بین جریان های نقدی عملیاتی و سود حسابداری تعریف کرده است. جونز (۱۹۹۱) تفاوت بین سود و جریان وجه نقد حاصل از عملیات را به عنوان اقلام تعهدی شناسایی کرده است. اسلوان (۱۹۹۶) اقلام تعهدی را به عنوان تغییر در سرمایه در گردش غیر نقدی منهای هزینه های استهلاک تعریف نمود. تعریف اسلوان از تعریف هلی (۱۹۸۵) نشأت گرفته است که دقیقاً با تعریف اقلام تعهدی عملیاتی استفاده شده در بیانیه استانداردهای مالی شماره ۹۵ (FASB)، صورت جریان های نقدی) مطابقت دارد. برای دستیابی به یک اندازه گیری جامع از اقلام تعهدی، عنوان می شود

که در صورت عدم استفاده از حسابداری تعهدی (استفاده از حسابداری نقدی)، تنها حساب-های نقدی در ترازنامه منعکس می‌شوند، لذا گزارش سایر حساب‌های دارایی و بدهی در ترازنامه نتیجه به کارگیری حسابداری تعهدی است (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین، اقلام تعهدی بیانگر تغییر در تمام دارایی‌های غیر نقدی منهای تغییر در تمام بدهی‌های غیر نقدی می‌باشد (ریچاردسون و دیگران، ۲۰۰۵). ادبیات حسابداری اقلام تعهدی به دو نوع اقلام تعهدی اختیاری و اقلام تعهدی غیر اختیاری تفکیک شده است. اقلام تعهدی اختیاری آن دسته از اقلام تعهدی هستند که تحت کنترل مدیریت می‌باشند و به راحتی هدف دستکاری واقع میشوند در حالی که اقلام تعهدی غیراختیاری تحت کنترل مدیریت واحد تجاری نمی‌باشند. یک عامل بنیادی در آزمون مدیریت سود در شرکت‌ها، تخمین عامل اختیار و اعمال نظر مدیران در تعیین سود است. بررسی ادبیات مدیریت سود، بیانگر وجود رویکردهای متفاوت در تعیین سود گزارش شده است. یکی از مهم‌ترین رویکردها، مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخصی برای تعیین و کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری است.

### **بند دوم: کیفیت اقلام تعهدی**

در این پژوهش به پیروی از مطالعات پیشین (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵، وردی، ۲۰۰۶، کور و همکاران، ۲۰۰۸) کیفیت گزارشگری مالی را به عنوان توان صورت‌های مالی در انتقال اطلاعات عملیات شرکت و به طور خاص، پیش بینی جریان‌های نقدی مورد انتظار به سرمایه‌گذاران تعریف می‌نماییم. پژوهش حاضر بر کیفیت اقلام تعهدی به عنوان شاخص تعیین کننده کیفیت گزارشگری مالی تأکید می‌کند. این معیار در پژوهشات بسیاری (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵، وردی، ۲۰۰۶، باتاچاریا و همکاران، ۲۰۰۷، هیلاری و وردی، ۲۰۰۸، کور و همکاران، ۲۰۰۸، و تروال و سولانو، ۲۰۰۹) مورد استفاده قرار گرفته است. پژوهش‌های تجربی به صورت فزاینده در حال بررسی نقش کیفیت حسابداری به عنوان معیاری از تقارن اطلاعاتی می‌باشند. برخی از مطالعات یاد شده نشان داده اند که کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه سرمایه، مدت سررسید بدهی، انتخاب نامطلوب در هنگام اعلام سود و سطح انباشت وجوه نقد اثرگذار می‌باشد. تأکید بر اقلام تعهدی در این

پژوهشات ناشی از آن دسته از شواهد تجربی (دیچاو، ۱۹۹۴، سورامائیان، ۱۹۹۶، امسی نیکلز، ۲۰۰۲، باتاچاریا، ۲۰۰۷، ظریف فرد و ناظمی، ۱۳۸۳، ثقفی و فدایی، ۱۳۸۶، و عرب مازار یزدی و صفرزاده، ۱۳۸۶) است که نشان می‌دهد ارقام تعهدی سبب افزایش جریان‌های نقدی آتی می‌گردد. به عنوان مثال از نظر اعتباردهندگان، کیفیت پایین تر ارقام تعهدی منجر به کاهش توانایی آنان در ارزیابی و برآورد جریان‌های نقدی می‌شود. در نتیجه کیفیت پایین ارقام تعهدی منجر به افزایش هزینه بدهی می‌گردد. البته چون ارقام تعهدی مبتنی بر فرضیات و برآوردهای حسابداری می‌باشد، ممکن است در ارقام تعهدی خطاهایی وجود داشته باشد. این خطاها موجب اخلاص در ارقام تعهدی و سبب کاهش سودمندی ارقام تعهدی می‌گردد. بنابراین، هر چه اندازه مقادیر خطاها کمتر گردد، کیفیت ارقام تعهدی افزایش می‌یابد.

#### بند سوم: مدل‌های موجود برای بررسی کیفیت ارقام تعهدی

مطالعات اولیه برای اندازه گیری کیفیت ارقام تعهدی، از معیارهای ساده‌ای مانند ارقام تعهدی هلی (۱۹۸۵) و تغییرات در مجموع ارقام تعهدی دی آنجلو (۱۹۸۶) استفاده می‌کردند (هر چه معیار مذکور بزرگتر باشد، کیفیت ارقام تعهدی کمتر است). معیارهای جدیدتر برای برآورد سطح غیر اختیاری ارقام تعهدی از رگرسیون ارقام تعهدی و متغیرهای مالی خاصی که مربوط به ارقام تعهدی غیر اختیاری هستند، مانند تغییرات درآمد، سود عملیاتی و یا جریان نقد عملیاتی استفاده می‌کنند به طوری که باقیمانده آن رگرسیون نشان دهنده ارقام تعهدی اختیاری است. به طور کلی ارقام تعهدی اختیاری، به عنوان شاخصی برای برآورد کیفیت ارقام تعهدی است. محققانی مانند دیچاو، اسلوان و سوابینی (۱۹۹۵)، گوآی، کوتاری و واتز (۱۹۹۶)، توماس و ژانگ (۲۰۰۰)، فرانسیس، لافند، اولسن و شیپر (۲۰۰۵) و کور، گوآی و وردی (۲۰۰۸) از باقیمانده رگرسیون برای برآورد ارقام تعهدی استفاده می‌کنند.

مدل اسلوان: اسلوان (۱۹۹۶) ارقام تعهدی را این چنین تعریف و اندازه گیری نمود:

$$\text{Accruals} = \Delta CA - \Delta CL - \text{DEP}$$

$$\text{Accruals} = (\Delta AR + \Delta INV + \Delta OCA) - (\Delta AP + \Delta OCL) - \text{DEP}$$

$\Delta CA$ : تغییر در دارایی‌های جاری غیر نقدی

$\Delta CL$ : تغییر در بدهی‌های جاری به جزء بدهی‌های کوتاه مدت و مالیات پرداختنی

DEP: استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود

$\Delta AR$ : تغییر در حساب‌های دریافتنی

$\Delta INV$ : تغییر در موجودی‌های کالا

$\Delta OCA$ : تغییر در سایر دارایی‌های جاری

$\Delta OCL$ : تغییر در حساب‌های پرداختنی

$\Delta AP$ : تغییر در سایر حساب‌های پرداختنی

مدل دی آنجلو

دی آنجلو (۱۹۸۶) مدل خود را به قرار زیر بیان کرد:

$$NDA_t = TA_{t-1} / A_{t-2}$$

$$DA_t = TA_t - NDA_t$$

$TA_t$ : کل ارقام تعهدی

$NDA_t$ : بخش غیر اختیاری ارقام تعهدی

$DA_t$ : بخش اختیاری ارقام تعهدی

$TA_{t-1}$ : ارقام تعهدی دوره قبل

$A_{t-2}$ : کل دارایی‌های دو دوره قبل

مدل جونز

مدل ارقام تعهدی جونز در سال ۱۹۹۱ ایجاد شد. هدف از طراحی مدل جونز بررسی خطای برآورد عمدی مدیریت است و امروزه از آن برای برآورد کیفیت ارقام تعهدی استفاده می‌شود. این مدل به شرح زیر می‌باشد:

$$TCA_t = (\Delta CA_t - \Delta C_t) - (\Delta CL_t - \Delta STDEBT_t) - DEP_t$$

$$NDA_t = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta REV_t + \alpha_2 PPE_t$$

$TCA_t$ : ارقام تعهدی سرمایه در گردش در سال  $t$

$\Delta REV_t$ : تغییرات درآمد فروش بین دو دوره  $t$  و  $t-1$

$PPE_t$ : دارایی‌های ثابت پایان دوره  $t$

$\Delta CA_t$ : تغییر جمع دارایی های جاری پایان دوره  $t$

$\Delta C_t$ : تغییر موجودی نقد پایان دوره  $t$

$\Delta CL_t$ : تغییر در جمع بدهی های جاری پایان دوره  $t$

$\Delta STDEBT_t$ : تغییر تسهیلات مالی دریافتی کوتاه مدت پایان دوره  $t$

$DEP_t$ : هزینه استهلاک دوره  $t$

$NDA_t$ : بخش غیر اختیاری ارقام تعهدی

جونز بر این باور است که ارقام تعهدی با تغییر درآمد رابطه مثبت و با دارایی های ثابت رابطه منفی دارد. مدل جونز مجموع ارقام تعهدی را به اجزای اختیاری و غیر اختیاری تقسیم می کند. این مدل برای ارزیابی مدیریت سود استفاده می شود به این ترتیب که رفتار ارقام تعهدی اختیاری را در یک حیطة بررسی می کند. در این مدل هر چه میزان اجزای اختیاری مشخص نشده ارقام تعهدی بیشتر باشد، کیفیت تعهدی کمتر است.

مدل تعدیل شده جونز

$$TCA_t((\Delta CA_t - \Delta C_t) - \Delta \Delta CL_t - \Delta STDEBT_t) - DEP_t$$

$$NDA_t \alpha_1 \alpha_2 \Delta \Delta REV_t - \Delta \Delta REC_t \alpha_3 PPE_t$$

$\Delta REC_t$ : تغییر در حساب های دریافتی در سال  $t$

تعریف بقیه متغیرها مشابه مدل جونز می باشد.

مدل دیچاو و دیچو

در این مدل بر رابطه بین ارقام تعهدی و گردش وجوه نقد گذشته، حال و آینده تأکید شده است که به صورت زیر می باشد:

$$TCA_{j,t} = \alpha + \beta_{1,j} CFO_{j,t-1} + \beta_{2,j} CFO_{j,t} + \beta_{3,j} CFO_{j,t+1} + \varepsilon_{j,t}$$

ارقام تعهدی به دو دسته اختیاری (غیرمنتظره یا غیرعادی) و غیر اختیاری (منتظره یا عادی) تفکیک می شوند. ارقام تعهدی اختیاری اقلامی هستند که مدیریت می تواند آنها را کنترل نماید. به عبارت دیگر، ارقام تعهدی اختیاری آنهایی هستند که مدیریت بر آنها کنترل داشته و می تواند آنها را به تاخیر بیندازد، حذف کند و یا ثبت و شناسایی آنها را تسریع نماید. ارقام تعهدی غیراختیاری اقلامی هستند که مدیریت نمی تواند آنها را کنترل



نماید. از آنجا که اقلام تعهدی اختیاری، در اختیار مدیریت و قابل اعمال نظر توسط مدیریت است، از این اقلام بعنوان شاخصی در کشف مدیریت سود استفاده می‌شود. یکی از ابزارهای مدیریت برای انجام مدیریت سود، استفاده از اقلام تعهدی اختیاری است. درحقیقت، اقلام تعهدی غیر اختیاری، بواسطه مقررات، سازمان‌ها و دیگر عوامل خارجی دچار محدودیت هستند و اقلام تعهدی اختیاری، قابل اعمال نظر توسط مدیریت می‌باشند که همین توانایی اعمال نظر، باعث می‌شود که اقلام تعهدی اختیاری، بعنوان شاخصی جهت کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری در نظر گرفته شوند.

#### بند چهارم: کیفیت اقلام تعهدی به عنوان معیاری برای اندازه گیری کیفیت سود

بطور کلی معیارهای ارزیابی کیفیت سود و اجزای مربوط به آن را که در سال ۲۰۰۲ توسط کاترین و وینسنت ارائه شده به صورت جدول زیر طبقه بندی کرد:

الف) مفهوم کیفیت سود مبتنی بر سری زمانی

پایداری

قابلیت پیش بینی

نوسان پذیری

ب) مفهوم کیفیت سود بر اساس رابطه بین سود و اقلام تعهدی و وجه نقد

نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی سود

تغییر در کل اقلام تعهدی

پیش بینی اجزا اختیاری اقلام تعهدی به کمک متغیرهای حسابداری

پیش بینی روابط بین اقلام تعهدی و جریان نقدی

ج) مفهوم کیفیت سود براساس ویژگی های کیفی چارچوب نظری هیات‌استاندارد های-

حسابداری مالی

مربوط بودن

قابل اتکا بودن

د) مفهوم کیفیت سود بر اساس تاثیر گذاری در تصمیم

قضاوتها و برآوردها، معیاری معکوس از کیفیت سود

رابطه معکوس بین کیفیت سود و تغییر استانداردهای حسابداری در این زیرگروه، در مورد سازه های کیفیت سود و ارتباط میان اندازه های مربوطه که از ارتباط میان اقلام تعهدی و اجزای نقدی سود مشتق شده اند، و ارتباط میان آنها با مفید بودن در تصمیم گیری و ارائه صادقانه بحث می شود. قابل ذکر است تمام سازه ها بر این اساس قرار دارند که اقلام تعهدی و برخی از زیرگروه های آن از کیفیت سود می کاهند.

#### **بند پنجم: نسبت جریانات نقدی به سود**

این اندازه از کیفیت سود، بر این مبنا قرار دارد که نزدیکی سود به وجه نقد به معنای کیفیت سود بالاست. تحلیلگران در گزارش های خود تا حد زیادی از این روش استفاده کرده اند. در ساده ترین شکل اندازه گیری، کیفیت سود بر مبنای نسبت جریانات نقدی عملیاتی به سود محاسبه می شود. این نسبت علاوه بر نشان دادن میزان ارتباط سود با وجه نقد، به دستکاری محتمل جریانات نقدی عملیاتی نیز حساس است. دیگر سازه های کیفیت سود از این نظر با میزان ارتباط سود و وجه نقد متفاوت هستند که فقط زیرمجموعه خاصی از اقلام تعهدی را بعنوان کاهنده کیفیت سود در برمی گیرند نه کل آنها را (یعنی تنها بخشی از اقلام تعهدی کیفیت سود را کاهش می دهند). سه اندازه از کیفیت سود که پیشتر مورد بحث قرار گرفتند اقلام تعهدی که کاهنده کیفیت سود محسوب نمی شوند را از سایر اقلام تعهدی متمایز نمی کردند.

#### **بند ششم: برآورد مستقیم ارتباط اقلام تعهدی با نقد**

ارتباط تئوریک پیرامون ارتباط اقلام تعهدی و جریانات نقدی که جنبه های ارتباط وجه نقد-سود را در بردارد و بسیاری از مشکلات رویکرد اقلام بنیادین حسابداری را برطرف نموده، نخستین بار توسط دچو و دیچو (۲۰۰۲) مطرح شد. از نظر آنان اقلام باقیمانده برآورد شده از رگرسیون تغییرات در سرمایه در گردش خالص بر جریانات نقدی دوره قبل، دوره جاری و دوره بعد بطور جداگانه برای هر شرکت خطاهای برآورد تمام اقلام تعهدی را نشان می دهد و بعنوان اندازه معکوسی از کیفیت سود بشمار می آید. مدل اندازه گیری آنها نیازمند در نظر گرفتن مفروضاتی درباره اقلام بنیادین حسابداری (که مدیریت نشده

اند) نیست و ارتباط مستقیمی میان جریانات نقدی و ارقام تعهدی دوره جاری ایجاد می کند. اما میان خطاهای برآورد دستکاری نشده و مدیریت سود عمدی تفاوتی قائل نمی شود. از سوی دیگر در مدل فوق چنین فرض می شود که ارقام تعهدی سرمایه در گردش، وجه نقد دریافتی و پرداختی را صرفاً یک دوره قبل یا دوره بعد به تعویق می اندازد.

### **بند هفتم: ارتباط مفید بودن در تصمیم گیری و ارائه صادقانه**

سازه کیفیت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری و غیراختیاری با سازه های کیفیت سود بر اساس پایداری، قابلیت پیش بینی و نوسان پذیری سود مطابقت ندارد. اما اندازه هایی که میان نقد و کل ارقام تعهدی تمایز قائل می شوند با پایداری و قابلیت پیش بینی سود بعنوان سازه های کیفیت سود مرتبط اند، بشرطی که میان ارقام تعهدی و وجه نقد در پایداری و قابلیت پیش بینی شان تفاوت وجود داشته باشد. در برخی از تحقیقات شواهد غیرمستقیمی وجود دارد مبنی بر اینکه سودهای گزارش شده نسبت به جریانات نقدی دوره جاری، پیش بینی کننده بهتری از جریانات نقدی آتی هستند (العطار و حسین، ۲۰۰۴). تحقیقات دیگر (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۹، تانگ و همکاران، ۲۰۰۷، گونزالس و همکاران ۲۰۰۵)، به این نتیجه رسیده اند که سودهایی که به ارقام تعهدی و جریانات تعهدی تفکیک شده اند جریانات نقدی آتی را بهتر از سودهای گزارش شده پیش بینی کرده اند. هر اندازه که تغییرات در ارقام تعهدی و اندازه های بدست آمده از رویکرد برآورد مستقیم، دستکاری مدیریت و خطای اندازه گیری که سبب می شود سودهای گزارش شده از سود هیكسیان فاصله بگیرد، را در بر دارد، به همان میزان هم نشانگر ارائه صادقانه هستند. لیکن، وظیفه ارقام تعهدی فراهم آوردن شناخت تغییرات ارزش حسابداری در معاملاتی است که تکمیل نشده اند.

بنابراین چنین فرض می شود که بخش دستکاری نشده و بدون اشتباه ارقام تعهدی، میزان ارائه صادقانه سود حسابداری مطابق با سود هیكسیان را نشان می دهد. بر این مبنای، اندازه دچو و دیچو (که خطای اندازه گیری در ارقام تعهدی در برابر جریانات نقدی عملیاتی را اندازه گیری می کند) با ارائه صادقانه مطابقت دارد.

### بخش سوم: بررسی و شناخت اجتناب از زیان

اجتناب از زیان، به این معنا که مدیران سعی در گزارش سودی بیشتر از صفر دارند. (اسکینرو اسلوان، ۲۰۰۲؛ بارث و همکاران، ۱۹۹۹). شرکت‌هایی که سود سالانه‌ی پایینی را گزارش می‌کنند به دستکاری فعالیت‌های عملیاتی واقعی می‌پردازند. معمولاً شرکت‌ها با دادن تخفیفات قیمت (که به‌طور موقت فروش‌ها را افزایش می‌دهد) و با تولید بیشتر (که بهای تمام شده هر واحد کالای فروش رفته را کاهش می‌دهد) و با کاهش هزینه‌های اختیاری (هزینه‌هایی که بستگی به نظر شخصی مدیریت دارند) از گزارشگری زیان اجتناب می‌کنند. در ادبیات حسابداری، متداولترین روش‌ها برای مدیریت کردن سود، مدیریت سود تعهدی دستکاری فعالیت‌های واقعی یا همان مدیریت واقعی سود می‌باشد. از آنجا که معمولاً مدیریت سود تعهدی در پایان دوره مالی و مدیریت واقعی سود در طی دوره مالی انجام می‌پذیرد، انتظار می‌رود که تصمیمات مدیران برای دستکاری فعالیت‌های واقعی، بر مدیریت سود تعهدی اثرگذار باشد. بنابراین، در این پژوهش تأثیر دستکاری فعالیت‌های واقعی بر مدیریت سود تعهدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این منظور از جریان نقد عملیاتی غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی به عنوان معیارهای مدیریت سود واقعی و از ارقام تعهدی اختیاری به عنوان معیار مدیریت سود تعهدی استفاده شده است به عبارت دیگر، هرچه قدر دستکاری فعالیت‌های واقعی بیشتر باشد، دستکاری ارقام تعهدی نیز در پایان دوره بیشتر خواهد بود مدیران برای رسیدن به سودهای هدف نمی‌توانند فقط بر مدیریت ارقام تعهدی در پایان دوره اتکا کنند زیرا این کار ریسک زیادی دارد و به ویژه اگر عملکرد شرکت طی دوره و یا شرایط اقتصادی مناسب نباشد، برای رسیدن و یا نزدیک شدن به اهداف سود، محدودیت‌هایی را برای مدیران ایجاد می‌کند. از طرفی مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی نیز از آنجا که بر جریانهای نقد شرکت اثرگذار است، محدودیت‌ها و مسئولیت‌هایی را برای مدیران ایجاد می‌کند. مثلاً ممکن است دستکاری فعالیت‌های واقعی در مجموع موجب زیان شرکت و یا کاهش سود شرکت نسبت به سال قبل شود و مدیران مجبور شوند برای گریز از این اتفاقات ناخوشایند، در پایان دوره دست به دامان ارقام تعهدی شوند. بر این اساس به نظر می‌رسد مدیران در تصمیمات خود برای مدیریت ارقام تعهدی،

دستکاری‌هایی را که بر روی فعالیتهای واقعی انجام داده اند نیز در نظر می‌گیرند و از ترکیبی از این انواع مدیریت سود استفاده میکنند. دستکاری فعالیتهای واقعی (مدیریت واقعی سود) دستکاری فعالیتهای واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران عهده دار فعالیتهایی می‌شوند که زمان بندی یا ساختار یک عملیات، سرمایه گذاری و یا معاملات مالی را به منظور اثرگذاری بر محصول (خروجی) سیستم حسابداری تغییر می‌دهد (گانی، ۲۰۱۰). دستکاری فعالیتهای واقعی، انحراف از روش‌های عادی عملیاتی بوده و با هدف اولیه برآورده سازی آستانه‌های خاص سود انجام می‌گیرد یکی از شیوه‌های دستکاری فعالیتهای واقعی، دستکاری هزینه‌های اختیاری است؛ (روچودهری، ۲۰۰۶)

هزینه‌هایی که به سادگی تحت تأثیر تصمیمات مدیریت قرار می‌گیرند مانند هزینه تبلیغات و هزینه تحقیق و توسعه. بیشترین شواهد مربوط به دستکاری فعالیتهای واقعی نیز، روی هزینه‌های اختیاری نظیر کاهش هزینه‌های تحقیق توسعه تمرکز دارند (بوش ۱۹۹۸، ابر و همکاران ۱۹۹۱، روچودهری ۲۰۰۶) همچنین توماس و ژانگ شواهدی در مورد دستکاری فعالیتهای واقعی از طریق تولید اضافی را دریافتند. به اعتقاد آنها مدیران بیشتر از آنچه که برای فروش و سطح موجودی هدف عادی نیاز دارند، تولید میکنند تا بهای تمام شده کالای فروش رفته گزارش شده برای هر واحد را کاهش دهند که نتیجه آن افزایش در سودهای گزارش شده است. تخفیفات قیمتی نیز یکی دیگر از روش‌های دستکاری فعالیتهای واقعی می‌باشد. مطالعات اخیر نشان دادند که مدیران تخفیفات قیمتی را به منظور افزایش حجم فروش‌ها ارائه میدهند (روچودهری ۲۰۰۶، ویو ۲۰۰۸) مدیران تخفیفات گسترده‌ای را نزدیک به پایان سال مالی جهت افزایش حجم فروش‌ها ارائه می‌دهند. افزایش حجم فروش‌های به وجود آمده احتمالاً زمانی که شرکت دوباره قیمت‌های قدیمی را برقرار می‌کند از بین خواهد رفت. این عمل در حقیقت انتقال سودهای آتی به دوره جاری است. نتیجتاً سودآوری آتی ممکن است به وسیله دستکاری فروش ناشی از تخفیفات قیمتی مخدوش شود (ویو، ۲۰۰۸). زمان فروش دارایی‌ها و شناسایی سود غیرعملیاتی حاصل از آن نیز می‌تواند به عنوان راهی برای مدیریت سود مورد استفاده مدیران قرار گیرد که از طریق تصمیمات عملیاتی صورت می‌گیرد (گانی، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر زمانی که درآمد عملیاتی جاری پایین تر (بالا تر) از

درآمد عملیاتی پیش بینی شده باشد مدیران از طریق فروش دارایی های ثابت و اوراق قابل معامله اقدام به مدیریت سود می کنند (هرمان و همکاران؛ ۲۰۰۳). البته نکته قابل توجه این است که قصد مدیریت، عامل مهمی در مدیریت واقعی سود می باشد. به این معنی که اگر شرکتی واجد یکی از شرایط مدیریت واقعی سود باشد، نمی توان گفت آن شرکت الزاماً مدیریت واقعی سود انجام داده است. بلکه ممکن است انجام این فعالیت ها ناشی از مجموعه فرصتهایی باشد که در اختیار شرکت است. اما گاهی مدیران از انجام این گونه فعالیت ها، قصد مدیریت سود و تأثیر مستقیم بر نتایج حسابداری دارند که نسبت به حالت پیش متفاوت می باشد. بنابراین شناخت نیت مدیریت، عامل مهمی در شناسایی مدیریت واقعی سود است (گانی، ۲۰۰۵)

#### **بند اول: تاثیر انواع مدیریت سود بر یکدیگر**

مدیران جهت اعمال مدیریت سود هم از دستکاری ارقام تعهدی اختیاری استفاده می کنند و هم فعالیت های واقعی را دستکاری می کنند. به عبارت دیگر این دو، نقش مکمل داشته و مدیریت از هر دو در کنار همدیگر جهت رسیدن به اهداف مدیریت سود استفاده می کنند. اما بین مدیریت سود تعهدی مدیریت سود واقعی تفاوت هایی وجود دارد: اولاً مدیریت سود تعهدی از طریق انتخاب روش های حسابداری توسط مدیریت صورت می گیرد و با تغییر در فعالیت های عملیاتی همراه نیست در حالی که مدیریت سود واقعی با تغییر در اساسی به منظور افزایش سودهای دوره جاری صورت می گیرد (گانی، ۲۰۱۰)، ثانیاً انتخاب های حسابداری، راجع به ارقام تعهدی به منظور مدیریت سود تعهدی ریسک و احتمال کشف شدن بیشتری در بررسی های حسابرسی دارد در حالی که قضاوتی بودن مدیریت سود واقعی این احتمال را برای آن کاهش داده است (یو، ۲۰۰۸). اما مهم ترین تفاوت بین مدیریت سود تعهدی و واقعی، زمان مدیریت سود است (یو، ۲۰۰۸). اغلب مدیریت سود واقعی طی دوره مالی اتفاق می افتد در حالی که مدیریت سود تعهدی در پایان دوره مالی به وقوع می پیوندد. مدیران به این دلیل تمایل به استفاده از مدیریت واقعی سود در طی دوره مالی و قبل از مدیریت سود تعهدی پایان دوره دارند که تکیه بر دستکاری ارقام تعهدی به تنهایی مستلزم یک ریسک است چرا که تحقق کسری پایان سال بین سود دستکاری نشده و آستانه مورد نظر

می‌تواند بیشتر از مقداری باشد که با دستکاری ارقام تعهدی امکان پذیر است و در صورت بروز چنین اتفاقی فعالیت‌های واقعی نمی‌تواند در پایان سال دستکاری شود (بروانس و مرچانت ۱۹۹۰؛ گراهام و همکاران، ۲۰۰۵). عموماً مدیران سطح مدیریت سود تعهدی را بعد از تعیین سطح دستکاری فعالیت‌های واقعی مشخص می‌کنند (مستورا، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر مدیران ابتدا دستکاری فعالیت‌های واقعی را به کار می‌گیرند و سپس ارقام تعهدی را جهت مدیریت سود مورد استفاده قرار می‌دهند و هر کدام از این دو نوع مدیریت سود به صورت ترتیبی انجام می‌شود و دستکاری فعالیت‌های واقعی مدیران را به انجام مدیریت سود تعهدی تشویق می‌کند (سانجایا و ساراجی، ۲۰۱۲). دستکاری ارقام تعهدی ممکن است برای اجتناب از زیان‌های متأثر از فعالیت‌های واقعی اعمال شود. امروزه مدیریت سود یکی از موضوعات بحث برانگیز و جذاب در پژوهش‌های حسابداری است، به دلیل اینکه سرمایه گذاران به عنوان یکی از فاکتورهای مهم تصمیم‌گیری به رقم سود توجه خاصی دارند (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴). سود یکی از مهم‌ترین منابع برای ارزیابی عملکرد واحد اقتصادی و شاخصی مناسب برای تصمیمات سرمایه‌گذاران به حساب می‌آید. همچنین سود به عنوان مبنایی برای محاسبه مالیات، معیاری برای ارزیابی موفقیت عملکرد شرکت، معیاری برای تعیین میزان سودهای قابل تقسیم، معیاری برای مدیریت توزیع سود سهام و مبنایی برای ارزیابی موفقیت مدیریت واحد اقتصادی است (کردستانی و هدایتی، بنابراین چون سودها حاوی اطلاعات مهمی برای استفاده کنندگان داخلی و خارجی هستند به وسیله مدیران مدیریت می‌شوند تا به سرمایه‌گذاران خارجی آگاهی دهند که عملکرد شرکت مطلوب است (سانجایا و ساراجی، ۲۰۱۲). اما دانستن این نکته که مدیریت به رغم عملکرد واقعاً ضعیف، سود را مورد دستکاری قرار داده تا عملکرد را خوب گزارش کند، بر عموم سرمایه‌گذاران اثر منفی گسترده‌ای دارد. در نبود انگیزه‌های خاص، مدیران صرفاً با قصد گزارشگری منصفانه، اقدام به قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های حسابداری می‌کنند. اما در موقعیت‌های مختلف، انگیزه‌های اقتصادی اغواکننده‌ای نظیر دریافت پاداش برای مدیران وجود دارد که به مدیریت سود بپردازند؛ زیرا ارزش شرکت و ثروت مدیران و مالکان آن به شکل تفکیک ناپذیری به سودهای گزارش شده مرتبط است. اما انگیزه هرچه باشد، راه‌های

مدیریت سود به فراوانی اقلام تعهدی، برآوردها و قضاوت های حسابداری است. نگرانی روزافزون در جامعه سرمایه گذاری این است که برخی از رویه های مدیریت سود اعتماد عمومی را نسبت به گزارشگری مالی برون سازمانی از بین می برد و مانع از جریان کارآمد سرمایه در بازارهای مالی می شود. منتقدان بر این باورند که مدیران از اختیار و آزادی عملی که به واسطه اصول پذیرفته شده حسابداری به آنها داده شده است سوءاستفاده می کنند و عمداً اطلاعات مندرج در صورت های مالی را مخدوش می کنند (رحمانی، ۱۳۸۹). در ادبیات حسابداری سه روش برای مدیریت سود وجود دارد: حسابداری متقلبانه، مدیریت سود تعهدی و دستکاری فعالیت های واقعی (گانی، ۲۰۰۵). حسابداری متقلبانه شامل انتخاب هایی است که اصول پذیرفته شده حسابداری را نقض می کند (دچاو و اسکینر، ۲۰۰۰). اما از آنجا که مشهورترین روش ها برای مدیریت سود، مدیریت تعهدی سود و دستکاری فعالیت های واقعی می باشند (سانجایا و ساراجی، ۲۰۱۲). تمرکز اصلی بر روی مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود می باشد مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیران برای گزارشگری مالی و ساختار معاملات، با هدف تغییر در گزارشهای مالی، قضاوت خود را به کار می گیرند تا برخی از ذینفعان را در مورد عملکرد اقتصادی شرکت گمراه کنند یا بر نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارد، اثر بگذارند (هیلی و واهل، ۱۹۹۹).

### نتیجه گیری

شناسایی بی پروای سود رویه ای است که در آن، به منظور حداکثرسازی سود گزارش شده، شناسایی زیان ها به تاخیر افتاده و شناسایی سودها تسریع می گردد. بر خلاف شناسایی بی پروای سود، محافظه کاری در سود، موجب افزایش محتوای اطلاعاتی سود می گردد، چرا که اطلاعاتی در مورد تمایل مدیران به نگهداری سود فراهم می آورد. برای مثال، از آن جا که زیان های اقتصادی، بازخورد سریعی در مورد ضعف راهبردها و تصمیمات سرمایه گذاری مدیریت فراهم می آورند، مدیران ممکن است تمایل داشته باشند زیان های اقتصادی را پنهان نمایند. بنابراین به علت انگیزه هایی که مدیران در پنهان نمودن زیان ها و افشای سودهای اقتصادی دارند، شناسایی بی پروای سود احتمالاً گزارشگری خوش بینانه و سوگیرانه از طرف مدیریت را منعکس می کند و اختلالاتی در سود گزارش شده به وجود



می‌آورد. نتایج کلی حاکی از آن است مدیران در روش مدیریت سود زمان انجام عملیات، نحوه‌ی تخصیص منابع و یا زمان اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری را تغییر می‌دهند. فعالیتهای مدیریت مبتنی بر ارقام تعهدی هیچ پیامد مستقیم بر جریان نقدی را به همراه ندارد (کوهن و زاروبیین، ۲۰۰۸). کشف دست کاری ارقام تعهدی می‌تواند احتمال نیاز به بررسی‌های ویژه از جانب حسابرسان را بوجود می‌آورد همچنین ممکن است منجر به مجازاتهای مالی توسط نهادهای قانونی (مانند بورس اوراق بهادار)، لزوم ارائه‌ی مجدد سود و بررسی موضوع در دادگاه‌های حقوقی شود. مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اندازه‌گیری می‌شود. اجتناب از زیان مهم‌ترین استانه سود برای مدیران است و شرکتها سود را برای اجتناب از زیان و کاهش سود مدیریت می‌کنند. به هر حال این پژوهش نشان می‌دهد هرچه شرکت میزان ارقام تعهدی بالایی داشته باشد میزان اجتناب از زیان بالا می‌رود و ارقام تعهدی شاخصی برای مدیریت سود است. هرچه اندازه کیفیت ارقام تعهدی بیشتر باشد پایداری سود نیز بالا می‌رود. آستانه‌های سود اینگونه قابل بیان است:

- ۱- اجتناب از زیان، به این معناست که مدیران سعی در گزارش سودی بیشتر از صفر دارند
- ۲- اجتناب از کاهش سود، به این معناست که مدیران سعی در گزارش سود مطابق با سود سال قبل باشد (یعنی ارایه سود به میزانی مشابه یا بیشتر از سال قبل)
- ۳- اجتناب از سود غیرمنتظره منفی، به معنای گزارش سود به نحوی که ه انتظارات از سود نیست یابد یا از آن بیشتر شود

هرچه اندازه شرکت بزرگتر باشد، مدیران شرکت انگیزه و تمایل بیشتری برای دستکاری سود خواهند داشت. بابرگتر شدن شرکت‌ها مسولیت پاسخگویی آنها بیشتر می‌شود و مدیران شرکت‌ها در معرض پاسخگویی به طیف وسیع تری از مدعیان قرار می‌گیرند. از طرفی در بازار سرمایه شرکت‌هایی هستند که دچار زیان می‌شوند، برخی از این زیان‌ها ناچیز است و مدیران می‌توانند با دستکاری ارقام، اعداد زیان را که بار منفی دارد به عدد سود (اگرچه کم باشد) تحریف کنند. البته شرکت‌هایی که دارای زیان‌های عمده هستند معمولاً قادر به تبدیل زیان خود به رقم سود نیستند بنابراین نه تنها در شرکت‌هایی که زیان کم دارند این انگیزه وجود دارد با دستکاری در ارقام از زیان‌های کم اجتناب نمایند.

### پیشنهادهای کاربردی پژوهش

- ≠ به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود در تصمیم گیری به اطلاعات مرتبط با ارقام تعهدی شرکت توجه کنند
- ≠ به سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می شود در تصمیم گیری های خود تنها به نسبت های حسابداری، میزان بازده سهام یا اعداد توجه نکنند و به میزان اعمال نظر مدیریت و زمانبندی شناسایی ارقام تعهدی و عملکرد سود اتی توجه کنند
- ≠ به اعتبار دهندگان پیشنهاد می شود در هنگام اعتبار دهی به میزان ارقام تعهدی و تاثیرات آن در مدیریت سود دقت کافی داشته باشند
- ≠ به کلیه فعالان بازار سرمایه، تصمیم گیرندگان، تحلیلگران مالی و سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل در بورس اوراق بهادار توصیه می شود در تحلیل طرح های سرمایه گذاری در دارایی های مالی و اوراق بهادار برای ارزیابی میزان مخاطرات، زمانبندی و برآورد خالص جریان های نقدی آتی سرمایه گذاری های خود، با عنایت به سطوح مختلف و ناهمگن درجه مخاطره پذیری به عامل حیاتی چرخه عمر شرکت توجه وافر و درخور اهمیت داشته باشند، زیرا لحاظ این عامل مهم، به انتخاب سبد سرمایه گذاری بهینه با کمیته مخاطره و بیشترین بازدهی منجر می گردد؛ ضمن آنکه شفافیت محیط تصمیم گیری و نتایج حاصله را نیز دوچندان می نماید.
- ≠ با توجه به این که کشف مدیریت سود واقعی توسط حسابرس به سختی انجام می گیرد، پیشنهاد می شود جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان حسابرسی به عنوان فعالان عرصه حسابرسی در کشور، با آموزش حسابرسان خود، شرکت های مورد رسیدگی را از پیامدهای آتی مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت های واقعی آگاه سازند. همچنین سازمان بورس اوراق بهادار باید به شکلی سرمایه گذاران بالقوه را با اطلاع رسانی صحیح، شرکت هایی را که به مدیریت سود واقعی روی می آورند، به سرمایه گذاران معرفی کند تا آن ها بطور آگاهانه و متناسب با اهداف کوتاه مدت یا بلند مدت خویش اقدام به سرمایه گذاری یا عدم سرمایه گذاری در چنین شرکت هایی نمایند.

## منابع و مآخذ

- ≠ اُستا سهراب، قیطاسی، روح اله «اثر چرخه عمر واحد تجاری بر اقلام تعهدی اختیاری مجله پژوهش‌های حسابداری مالی سال ۴، شماره ۱، شماره پیاپی (۱۱)، بهار ۱۳۹۱
- ≠ مرادی محمد، اسکندری، هدی «بررسی کیفیت سود طی چرخه عمر در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» مجله دانش حسابداری؛ سال پنجم ش ۱۹ زمستان ۱۳۹۳ ص ۱۲۱-۱۳۹
- ≠ صدر اصفهانی، آریو وثقی، علی. (۱۳۹۱) «پیامدهای دستکاری سود از طریق فعالیت‌های واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۴
- ≠ اعتمادی، حسین؛ آذر، عادل و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۹). «بررسی نقش تخصص حسابرس در صنعت بر مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی» مجله دانش حسابداری، سال اول، شماره ۱
- ≠ آقای، محمد علی، آذر، عادل و جوان، اکبر (۱۳۹۱) بررسی رابطه جایگزینی دستکاری فعالیت‌های واقعی و دستکاری اقلام تعهدی اختیاری، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی شماره ۲
- ≠ بهارمقدم، مهدی. (۱۳۸۵)، «محرک‌های موثر بر مدیریت سود»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ≠ جوان، علی اکبر. قربانی، سعید و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۰). «تاثیر مدیریت سود واقعی بر جریان های نقدی عملیاتی آتی» فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، سال اول، شماره اول، پاییز
- ≠ درستی، علی اکبر. (۱۳۸۵) «بررسی پدیده مدیریت سود از راه فعالیت‌های موثر بر جریان‌های نقدی عملیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پایان نامه منتشره نشده، دانشکده علوم انسانی دانشگاه بین المللی قزوین.
- ≠ عدیلی، مجتبی و علی مرادزاده (۱۳۸۸) بررسی رابطه بین مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی و هزینه حقوق صاحبان سهام. دانشکده علوم اقتصادی، پایان نامه

کارشناسی ارشد حسابداری.

≠ یاسری، محمد. (۱۳۸۶) بررسی مدیریت سود از طریق فعالیتهای واقعی دانشگاه  
مازنداران پایان نامه کارشناسی ارشد.

≠ کرمی، لامرضا؛ داوری نژاد مقد، اعظم؛ تحریری، آرش (۱۳۰۵)، بررسی رابطه بین  
مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری به منظور هموارسازی سود در  
شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات تجربی حسابداری  
مالی، مطالعات حسابداری سابق دانشکده حسابداری و مدیریت علامه طباطبایی، پاییز  
۱۳۰۵ شماره ۳۱

≠ DeGeorge, François; Patel, Jayendu; Zeckhauser, Richard, (۲۰۰۷), Earnings  
thresholds and market responses Swiss Finance Institute, University of  
Lugano

≠ Gunny, Katherine (۲۰۱۰), The relation between earnings management  
using real activities manipulation and future performance: Evidence from  
meeting earnings benchmarks, The Canadian Academic Accounting  
Association (CAAA), Vol ۲۷ No ۳-Fall ۲۰۱۰

≠ Gunny, Katherine A. (۲۰۰۵), What Are the Consequences of Real  
Earnings Management? PhD Dissertation, University of California,  
Berkeley

≠ Pan. C. (۲۰۰۸), "Real Activities Earnings Management by Japanes Firms to  
Avoid Losses". LEC-tokyo.

≠ Roychowdhury, S. (۲۰۰۶). Earnings management through real activities  
manipulation. Journal of Accounting and Economics, ۴۲(۳), ۳۳۵-۳۷۰

≠ Roychowdhury, Sugata, (۲۰۰۶), Earnings management through real  
activities manipulation, Journal of Accounting and Economics, ۴۲(۳), pp.  
۳۳۵-۳۷۰.

≠ Schipper, K. , ۱۹۸۹. Commentary on Earnings Management. Accounting  
Horizons ۳, ۹ ۱۰۲.

- ≠ Scott, D. W. , ۱۹۹۲, Multivariate Density Estimation: Theory, Practice, and Visualization (Wiley, New York).
- ≠ Silverman, B. W. , ۱۹۸۶, Density Estimation for Statistics and Data Analysis (Chapman & Hall, London).
- ≠ Stein, J. C. (۱۹۸۹). Efficient capital markets, inefficient firms: A model of myopic corporate behavior. The Quarterly Journal of Economics, ۱۰۴(۴), ۶۵۵-۶۶۹.
- ≠ Suresh Radhakrishnan ۲۰۱۵ “Firm Life Cycle and Real-Activity Based Earnings management” Jindal School of Management, University of Texas at Dallas, Richardson, Texas, U. S. A.
- ≠ Teoh, S. H. , Welch, I. , & Wong, T. J. (۱۹۹۸). Earnings management and the long run market performance of initial public offerings. The Journal of Finance, ۵۳(۶), ۱۹۳۵-۱۹۷۴.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی